

از «فرح دیبا» تا «نئوپهلویسم»
«طلایی»، یا تراژدی

ثریا شهابی

مشاهده عروج «برق آسا» نئوپهلویسم در صحنه سیاسی ایران قرن بیست و یکم، نئوپهلویسم با مشخصات امروزی آن یعنی رژه «بگان های گارد جاویدان» و «لشکر ساواکی» ها و راه افتادن صف عاشقان شاه و ملکه «جاوید شاه، جاوید شاه» گو بدنبال ارابه ها و کالسکه های پرزرق و برق سلطنتی، و فایض «میناتوروری» از تحمیل «سکوت گورستانی» و «آریامهری» به هر مخالفی، برای بسیاری از همان دوستداران «خانواده پهلوی» شگفت انگیز و «شوک» آور بود. درک امکان عروج یک تحرک سیاسی متکی به یک «نوستالژی» و یک گذشته به گمان بسیاری «به تاریخ سپرده شده» و حاشیه ای، که دهه ها منزوی از سوخت و سازهای سیاسی جامعه ایران بنظر میآید که با عبور از گذشته بدنبال «زندگی» خود بود، برای بسیاری «غیرممکن» بنظر میآید!

مستقل از شرایط تاریخی که در آن بسر میبریم، مستقل از توازن جنبش های سیاسی و فراهم شدن زمینه های سرنگونی و فروپاشی جمهوری اسلامی در حالی که فقدان یک آلترناتیو متحزب و قدرتمند اصلی سیاسی- طبقاتی در مرکز این تحولات، برای بسیاری از جریانات حاشیه و منزوی، از جمله مجاهد و فرقه های قومی و مذهبی، فرجه و فضایی برای میدان داری باز شد! اینکه جریانی، نه «سلطنت طلب» و «مشروطه خواه» که بنام «پهلویسم» متولد میشود که متکی به زنده کردن پدیده ای است که چهار دهه از سرنگونی تنها و اصلی ترین نماد آن، یعنی محمد رضا شاه، میگذرد! هنوز برای بسیاری شگفت انگیز است! حقایقی چون نقش دولت اسرائیل در شکل دادن به این جریان و فراهم کردن امکانات انسانی و مالی برای آن و حمایت های محافل و قدرت های دست راستی چون آمریکا و اسرائیل از «خانواده پهلوی»، و تلاش برای تحمیل همه اعضا این خانواده بعنوان «تنها آلترناتیو» و «امید» برای جایگزین نظام جمهوری اسلامی، جایی که مجاهد ها و انواع فرقه های قومی کرد و ترک و بلوچ و سنی که دهه ها است آمادگی کافی برای تبدیل شدن به اهرم فشارهای دولت های مختلف مخالف جمهوری اسلامی دارند، هنوز توضیح می دهد که حلقه گمشده در میان این خانواده که قادر باشند لباس «قربانیان انقلاب ۵۷» را ... صفحه ۳

-کارگران جهان متحد شوید!

اعتراض قابل ستایش جنبش
حق زن در هرات

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

طی هفته گذشته اعتراضات جسورانه و قابل ستایش زنان و مردان آزادیخواه در شهر هرات در افغانستان، علیه بی حقوقی زن و آپارتاید جنسی حاکم بر این جامعه، علیه تعرض حکومت ضد زن و انسان ستیز طالبان، توجه جهانیان را جلب کرد و به حق مورد حمایت مردم آزادیخواه، انساندوست و متمدن، قرار گرفت. اعتراضات زنان آزادیخواه به دنبال تعرض وسیع ماموران «امر به معروف و نهی از منکر» طالبان به زنان در شهر هرات، در روز ۶ ژوئن (۱۶ خرداد)، و دستگیری حدود ۳۰ زن به جرم عدم رعایت حجاب و پوشش اسلامی و ضرب و شتم و تهدید و ارباب آنان، انجام گرفت. در اعتراض به این یورش وحشیانه مشتکی نیروی عقب مانده، متحجر و ضد زن و ضد انسان، که با هدف ایجاد وحشت و عقب راندن زنان و مردم آزادیخواه انجام گرفت، در روز سه شنبه ۹ ژوئن (۱۹ خرداد) بیش از ۱۵۰ نفر از زنان و مردان آزادیخواه و مدافع حق زن در منطقه «جرئیل» شهر هرات دست به تجمع و تظاهرات زدند. شعارهای اصلی این تجمع «کار، تحصیل، آزادی» و «زن، زندگی، آزادی» بود. ... صفحه ۲

اطلاعیه پایانی کنگره دوازدهم حزب
حکمتیست (خط رسمی)به رفقای هیئت اجرایی «اتحادیه
مبارزه کارگران فلسطین»
در حمایت از اقدام ارزشمند شما

رفقای عزیز هیئت اجرایی، رفیق محمد علوش عزیز

از طریق اطلاعیه اخیر شما، مطلع شدیم که پروژه ای ارزشمند جهت مستند سازی جنایات همه جانبه دولت اسرائیل علیه طبقه کارگر در فلسطین، از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون را آماده کرده اید. اسنادی واقعی از ابعاد همه جانبه تعرض به زندگی کارگران در فلسطین، از هماران و ویرانی تا کشتار عمدی، دستگیری و زندان فله ای، شکنجه، اخراج از کار، تحقیر و بی حرمتی به کارگران، نابودی مراکز کاری و کشاورزی، مصادره زمین و منازل و... با اتکا به مستندات غیر قابل انکار.

ما این اقدام مهم و تلاش شما رفقا برای مطلع کردن بشریت متمدن و اتحادیه ها، سازمان ها، نهادها و فعالین کارگری در سراسر جهان، از دامنه این جنایت و تلاش برای جلب حمایت از طبقه کارگر و مردم محروم فلسطین در مقابل دولت فاشیست اسرائیل، را ارج می نهیم و در این تلاش مهم و انسانی در کنار شما هستیم و برای تقویت این پروژه تلاش خواهیم کرد. ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

رفقای عزیز!

در این تردیدی نیست که مقابله و ایست دادن به ماشین کشتار جمعی دولت نژاد پرست، قومی و مذهبی اسرائیل علیه مردم و طبقه کارگر در فلسطین بیش از همه بر دوش طبقه کارگر جهانی است. در این تردیدی نیست کارگران در فلسطین، ایران، مصر، عراق و کل خاورمیانه، در اروپا و آمریکا، در افریقا و آسیا و در سراسر جهان، مستقل از تقسیمات کشوری، مستقل از تقسیمات، مذهبی، ملی، نژادی، جنسی و... که بورژوازی در این کشورهای به ما تحمیل کرده اند و میکوشند از آن برای دامن زدن به انشقاق در میان طبقه کارگر در خدمت حفظ سیستم کاپیتالیستی استفاده کنند، یک طبقه واحد و اعضای خانواده بزرگ کارگری در جهان هستیم. به این اعتبار جنایاتی که در فلسطین قصابان حاکم بر اسرائیل در حمایت و با همکاری همه جانبه دولتهای غربی و در راس آنها دولت آمریکا مرتکب شدند، جنایاتی علیه کل طبقه کارگر و علیه بشریت متمدن در سراسر جهان بوده و هست.

در این مدت و از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون، جنبشی جهانی در دفاع از مردم

فلسطین شکل گرفت و طبقه کارگر و فعالین و سازمانهای کارگری در آن نقش ارزشمندی ایفا کردند. امیدواریم در کنار و به کمک همدیگر، به کمک همه فعالین و سازمانهای رادیکال کارگری، بتوانیم در این جنبش و تبدیل طبقه کارگر به ستون فقرات آن در خدمت متوقف کردن و از کار انداختن ماشین کشتار جمعی اسرائیل و وادار کردن دولتهای ضد کارگری غربی و... برای پایان همکاری و حمایت نظامی، اطلاعاتی، سیاسی، مالی و تبلیغاتی از اسرائیل، بکوشیم.

تقویت همسرنوشتی و ایجاد بیشترین اتحاد و همکاری در جنبش کارگری جهانی امروز ضروری تر از هر دوره ای است. حزب حکمتیست (خط رسمی) خود را بخشی جدی از این تلاش در تقویت سازمان یابی و اتحاد جنبش کارگری رادیکال و سوسیالیستی میداند.

دستتان را به گرمی میفشارم

با احترام فراوان

خالد حاج محمدی

از طرف حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۵ ژوئن ۲۰۲۶

اعتراض قابل ستایش...

خواست این تجمع جسورانه و آزادیخواهانه از جمله پایان قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، پایان سرکوب و بازداشت های خودسرانه زنان، آزادی پوشش و حق کار و تحصیل برای زنان بود.

تجمع زنان و مردم آزادیخواه در شهرها، پیش از اینکه گسترش بیشتری یابد، به سرعت توسط نیروهای سرکوبگر طالبان، مورد حمله وحشیانه قرار گرفت. نیروهای سرکوب از همه جا به محل تجمع زنان گسیل شدند و با شلیک مستقیم به تجمع، با حمله با باتوم و شلاق به معترضین، تجمع را متفرق کردند. بر اساس گزارشات منتشر شده در این حمله وحشیانه دو نفر کشته، که یکی از آنان کودکی ۱۱ ساله بود، و بیش از ۲۰ نفر زخمی شدند. تعدادی نیز دستگیر و روانه زندان شده اند.

این اعتراضات انسانی هر چند با سکوت و بی تفاوتی دولتهای مدعی حقوق بشر و «دمکرات» طرف شد و نهایتاً سازمان ملل با محاسبات ریاکارانه خود اعلام کرد «استفاده از زور بیش از حد» بوده است، اما در سراسر جهان منعکس شد و سمپاتی و حمایتی وسیعی را جلب کرد و سد سانسور میدیای رسمی را نیز شکست.

این اعتراضات در ایران وسیعاً انعکاس یافت و علیرغم فضای میلیتاریستی و شرایط جنگی، تجمعی در مقابل سفارت افغانستان در تهران و در مشهد نیز تجمعی، در حمایت از زنان افغانستان و با شعار «زن، زندگی، آزادی» و کار تحصیل، آزادی، برگزار شد که با دخالت پلیس و به بهانه اینکه «تجمعات بدون مجوز انجام گرفته است» آنرا متفرق کردند. علاوه بر ایران در شهرهای بزرگ جهان از جمله پاریس، برلین، واشینگتن دی.سی و... تجمعاتی در حمایت از این اعتراضات و در دفاع از آزادی زنان در افغانستان برپا شد.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن حمایت از اعتراض جسورانه و قابل ستایش زنان و مردم آزادیخواه در هرات، ضمن محکوم کردن یورش جنایتکارانه حکومت طالبان به تجمع زنان، به همه مردم آزادیخواه و مدافع حق زن در ایران، منطقه و جهان که در حمایت از زنان افغانستان به میدان آمدند درود می فرستد! جنبش حق زن، جنبش برابری کامل زن و مرد در ایران و افغانستان، تاریخی دیرینه در حمایت از هم دارند و به علاوه در منطقه و جهان یک جنبش واحد و مشترک، با دردی مشترک است.

حرکت جسورانه زنان و مردم آزادیخواه در افغانستان نشان داد که جنبش آزادی زن در این کشور جنگ زده، علیرغم اشغال و سالها جنگ و کشتار و بمباران، علیرغم حاکمیت طالبان و تعرض همه جانبه و وحشیانه چندین دهه به حقوق اولیه زنان، به حقوق اولیه و انسانی مردم محروم در افغانستان، جنبشی زنده و رادیکال است. سکوت خالقین طالبان در غرب و دوستان امروز آن در شرق، سکوت میدیای رسمی در مقابل این اعتراض و عادی جلوه دادن بی حقوقی زن در جوامع اسلام زده، همه و همه و ریاکاری قدرتهای جهانی در حمایت از آزادی و حرمت انسان و آشکار کردن دشمنی پنهان آنان با آزادی، حرمت، امنیت و رفاه بشریت است. متقابلاً انعکاس فوری این حرکت در کشورهای مختلف و حمایتهای جهانی از آن، بیان این حقیقت ساده است که جنبش حق زن مرز نمیشناسد و حقوق زنان جهانشمول است. نشان داد که جنبش حق زن، جنبشی به وسعت جهان است. جنبش حق زن امروز بیش از هر زمانی مستقیماً به جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر برای جهانی آزاد و برابر گره خورده است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۴ ژوئن ۲۰۲۶ - ۲۴ خرداد ۱۴۰۵

**دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای
تحت انقیاد نگاهداشتن توده های تحت
استثمار است. دولت قوه قهریه سازمان
یافته طبقه حاکمه است. دولت ابزار اعمال
حاکمیت طبقاتی است.**

برای همیشه از تن برکنند و به یک زندگی معمولی، چه سیاسی و چه غیرسیاسی باز گردند، نمی دهد!

پرداختن به این سوال که چگونه در «بعد شخصی» کسی چون «رضا پهلوی» و «خانواده او»، کودکان و نوجوانان و وابستگان آنها، که نه تنها شرکتی در تاریخی که پدر و پدربزرگ و مادر و مادر بزرگشان در آن دخالت داشتند ندارند، اینگونه در دفاع از آن به صحنه می آیند، موضوع این نوشته است. اینکه کسانی که اساسا ریشه و آشنایی با جغرافیای سیاسی و اجتماعی ایران ندارند، و بیش از هرکس رضا پهلوی، که خود میدانند که نه میخواهد و نه قادر است بر جامعه ایران حکومت کند و نه هرگز داعیه آن را داشته است، کسی که دهه ها به زندگی «بدور از جنجال» در حاشیه جریانات سیاسی «دلخوش» بود و راضی، چگونه به کرسی رهبری نئوپهلویسم، یک گروه و باند راست افراطی، فاشیست و قوم پرست طرفدار حمله نظامی به زیرساخت های ایران و یارغار نتانیاهو تبدیل میشود، موضوع این نوشته است و میتواند به درک وضعیت رضا پهلوی و «خانوادگی» شدن نئوپهلویسم کمک کند.

چگونه این «خانواده» از کسانی که مشغول کار و تحصیل و نگهداری از فرزندان بودند، همگی، پیر و جوان و کودک و نوجوان، ناگهان به موجودات تشنه قدرتی تبدیل میشوند که سرعت اشتهای قرار گرفتن بر فراز سر نود میلیون مردم در ایران را دارند! چگونه عناصر نمایشات کمیک و «کارتونی» و «دیزنی لندی» مراسم های «شاهانه» در خارج از کشور میشوند!

این صحنه کمیک و به اعتقاد من در بعد شخصی تراژیک، از نظر «سوخت ساز درونی» و تعیین کننده، ما را به عنصر کلیدی آن، فرح دیبا، یا فرح پهلوی می رساند.*

اینکه رضا پهلوی که نه میخواهد و نه می توانست در این جلد ظاهر شود، گذشته خانوادگی را بهانه احیا حکومت پدر کند و بعنوان کاتالیزور سناریو سیاه و تخریب ایران ظاهر شود، ما را به «ملایم» ترین عنصر این خانواده یعنی به «فرح دیبا» و عشق و علاقه و شیفتگی او به حفظ مقام «ملکه» ای می رساند! کسی که همواره با اتخاذ مواضع «میانه» رو، پشت سر عنصر خشن و قدرتمندی چون همسر و پسری که به زور تبلیغات «آماسیده» و «قدرتمند» شده است، حمایت بی دریغ خود را پنهان میکند.

کسی که در راس هرم خانوادگی قرار میگیرد که پس از سقوط حکومت شوهر، هرگز از آن گذشته «عبور نمی کند!» همچنان میخواهد «ملکه» و «شهبانو» ایران بماند! محیط پرورشی کودکان خانواده که نقشی در حاکمیت فرح و محمد رضا ندارند، نمی توانسته است محیطی برای عبور از آن گذشته و تلاش برای ادامه زندگی در شرایط جدید باشد. امری که تراژدی های شخصی و آسیب های عمیقی به زندگی کودکان این خانواده می زند. اما فرح دیبا، دختر جوانی که همه جاه طلبی های شخصی خود در کسب حرفه معماری و ... را فدای شانس رسیدن به مقام «ملکه ایران» میکند و حاضر میشود همه چیز، حرمت و کرامت شخصی ش را با این امتیاز معامله کند، با ازدواج با مردی بیست سال از خود بزرگ تر، در بعد شخصی کم مایه تر از خود، مقام «ملکه ای» را کسب میکند، بشرطی که «پسر بزاید» و شانس «زایش پسر» برای «ملکه» شدن و «ملکه» ماندن، به او کمک میکند. پس از سقوط حکومت همسر و نظام شاه و ملکه ای، بقول خودش همچنان علاقمند است «شهبانو» صدایش بزنند! چرا که بیست سال «شهبانوی» ایران بوده است!

کسی که اگر «شاه» او را در مقابل دوربین خبرنگار خارجی تحقیر میکند که «زن عقلش از مرد کمتر است» و به این دلیل «تاجگذاری» فرح «نیابتی» است و ابزاری برای حفظ مقام «پسر»، تلاش میکند با در اختیار گرفتن حوزه جانبی فرهنگی و اجتماعی میدان فعالیت «مدنی» برای خود ایجاد کند.

به این ترتیب فرح دیبا، دختر جوان «بلند پرواز»، به مقام فرح پهلوی و ملکه و شهبانو «پسرزا» پرواز میکند! کسی که انقلاب ۵۷ سیر پرواز او به اوج و نشست بر تخت «به نیابت از پسرش» را از او میگیرد! کسی که همه شواهد نشان میدهد هرگز حاضر نشد از آن گذشته عبور کند و فرزندان را در مهاجرت و تغییر موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، همچون میلیون ها میلیون از خانواده هایی که به ناخواسته جابه جا میشوند، به سوی یک زندگی تازه هدایت کند.

کسی که به «رضا پهلوی» تلویحا این اعتماد به نفس را میدهد که او، بعنوان «شهبانو» و «سرمایه آن گذشته» میتواند، شرایطی که چهل سال پیش به دلیل انقلاب مردمی که حکومت شوهرش را می خواستند را از دست داد، را احیا کند.

فرزند، نه شجاع و نه «بلند پرواز» و نه توانا، باید برای خدمت به حفظ و گسترش مقام «ملکه ای»، مادر به اندازه کافی چراغ سبز، دریافت کرده باشد تا بتواند خود و همه اعضا بزرگ و کوچک خانواده اش را بار دیگر به همان باطلای بکشاند که خود و خواهران و برادران و سایر اعضا خانواده کشیده شدند.

زندگی تراژیک این خانواده که امروز شاهدیم تعداد بیشتری از کودکان و «عروسکان» خیمه شب بازی های کودکانه شان، در نقش «شاهدخت» ها و «والاحضرتین» و «اعلاحضرتین» بی تاج و تخت و بدون کشور در مقابل دوربین ها قرار میگیرند، کسانی که به فراخور نیاز «نئوپهلویسم» اینجا و آن جا، رو به جامعه ای «پیام» میدهند و «رهنمود» صادر میکنند، رقت بار است. میتوانند رویشان را از جامعه ای که این «عروسک بازی» ها را به سخره میگیرد برگردانند! اما نمی توانند هرگاه «نخواستند» به نقطه ای که از آنجا به سرانجام تراژدی دیگری پرتاب شدند، بازگردند!

شکست امروز پروژه «نئوپهلویسم» در جنبش راست افراطی، فاشیستی و باند سیاهی ایران، برای کمک به نتانیاهو و ترامپ در فراهم کردن تدارکات تبلیغاتی - سیاسی برای حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، ترکش های شخصی ترسناکی برای اعضا خانواده پهلوی خواهد داشت.

اما اگر عروج و افول «نئوپهلویسم»، یا فرقه «پهلویان»، با نقش «معنوی» و خجولانه «شهبانو» سابق، که امروز بعنوان یک فرقه و باند سوخت و ساز میکنند، از نظر شخصی و خانوادگی تراژیک باشد و از نظر اجتماعی کمیک، از نظر تاثیرات آن بر جامعه ایران مخرب، بازدارنده و ضدمردمی است. از نظر سیاسی، علیرغم همه مصائب شخصی و خانوادگی این فرقه، سوخت و ساز و عملکرد سیاسی شان، تا امروز آسیب های جدی به صف آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران و در خارج از کشور زده است.

اگر برای برخی محققین، سوخت و سازهای خانوادگی این فرقه، میتواند موضوع رمان های تراژیک و «درام» های فردی باشد، برای جنبش های سیاسی مترقی، مردمی و آزادیخواه، تنها موضوع داستان سوخت ساز انگل هایی است که بر پیکر هر جامعه ای، بیمار یا سالم، می افتد و میتواند موجب مرگ آن شود. داستان انگل هایی است که باید با آسیب ها و خطرات آن مقابله کرد. انگل هایی که مهمترین سرمایه سیاه ترین نیروها علیه زندگی و امنیت بیش از نود میلیون انسان و علیه جنبش آزادیخواهانه آنان در ایران شدند. کسانی که توسط دست راستی ترین و فاشیست ترین قدرتهای جهانی، به جان مردم ایران انداخته شدند.

* از جمله اظهارات سیاسی «مستقلانه» فرح پهلوی، در مورد ایران قرن بیست و یکم، قریب پنجاه سال پس از سقوط حکومت همسر، و در گفتگو با رادیو فردا مرداد ۱۴۰۳

«ملکه پیشین ایران همچنین اعلام کرد که اوضاع این روزهای ایران و منطقه او را به یاد گفته‌ای از همسرش، محمدرضا شاه پهلوی، می‌اندازد که بعد از خروج از ایران گفته بود منطقه دیگر روی آرامش را نخواهد دید»

اطلاعیه پایانی کنگره دوازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی)

کنگره دوازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی) روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ برابر با ۵ و ۶ ژوئن ۲۰۲۶ با شرکت اکثریت نمایندگان تشکیلاتهای مختلف حزب و میهمانان کنگره برگزار شد. ابتدا امان کفا از طرف هیئت نظارت بر انتخابات نمایندگان کنگره، گزارش انتخابات را ارائه داد. کنگره به اتفاق آرا اعتبار نامه نمایندگان را تصویب کرد. سپس کنگره آئین نامه و دستورات پیشنهادی کمیته رهبری را به تصویب رساند.

کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم رسماً آغاز به کار کرد.

افتتاحیه کنگره توسط آذر مدرسی ارائه شد. دبیر کمیته مرکزی در سخنان خود به مشخصات دوره ای که کنگره دوازدهم حزب در آن برگزار میشود، اشاره کرد. آذر مدرسی به حمله امریکا-اسرائیل به ایران، عواقب و تأثیرات آن بر رابطه بورژوازی ایران با جمهوری اسلامی و تغییراتی که در این رابطه بوجود خواهد آمد، از تأثیرات جنگ بر موقعیت جنبش آزادیخواهان مردم ایران و صفبندی های جدید سیاسی-طبقاتی در ایران و همچنین از تأثیرات آن بر آرایش قدرتها و توازن قوای میان آنان در سطح منطقه و جهان و بر سیر افول هژمونی امریکا و غرب در جهان و بر شکلگیری جهان چند قطبی پرداخت. وی همچنین به اینکه برای تأثیر گذاری در اوضاع باید تبیین روشن و مارکسیستی از این تحولات داشت و سیاست کمونیستی و متناسب با اوضاع جدید را از آن تدوین کرد و پیش برد، اشاره کرد.

در ادامه، عثمان حاجی مارف، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری کردستان و فارس محمود، معاون دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، پیام این دو حزب به کنگره را قرائت کردند. به دنبال پیامهای محمد علوش، دبیر کل اتحادیه مبارزه کارگران فلسطین، و ابو وطن، رئیس اتحادیه سراسری کارکنان بخش نفت و گاز و رئیس اتحادیه سراسری انرژی عراق، قرائت شد. همچنین دو پیام و گزارش فعالیتهای این دوره از جمعهای از مسئولین، کادر و فعالین حزب در ایران به اطلاع کنگره رسید.

دستوارت کنگره عبارت بودند از:

۱- گزارش کارکرد حزب در فاصله دو کنگره

۲- جنگ، اوضاع سیاسی ایران و صف بندی ها

۳- بررسی و آپدیت برنامه حزب، مصوب کمیته مرکزی

۴- قرارها و قطعنامه ها

۵- انتخابات

گزارش کارکرد حزب در فاصله دو کنگره توسط خالد حاج محمدی، دبیر کمیته رهبری حزب، به کنگره ارائه شد. لازم به ذکر است، گزارش کمیته های اصلی حزب و مسئولین عرصه های مختلف، پیش از کنگره کتابا در اختیار نمایندگان کنگره قرار گرفته بود.

خالد حاج محمدی در گزارش به تحولات جهانی، منطقه ای، صف بندی های سیاسی و نقش و جایگاه حزب در این دوره اشاره کرد. اوبه جدالهای اصلی سیاسی در ایران چه در دوره نسل کشی مردم فلسطین توسط اسرائیل و متحدین آن و چه در دوره اخیر، حمله به ایران، به اعتراضات کارگری و اقشار محروم علیه جمهوری اسلامی و موقعیت جنبش برابری طلبانه در این جامعه قبل و پس از حمله نظامی به ایران، به حمله و بمباران ایران توسط امریکا-اسرائیل و لطمات عظیم آن به جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهان علیه جمهوری اسلامی، به پلاریزاسیون سیاسی میان جنبشها و احزاب و تعمیق دوستی و دشمنی

ها و فعالیتهای، نقش و جایگاه حزب ما در ایندوره و به مجموعه ای از پروژه های مهم سیاسی و سازمانی حزب در متن این تحولات و ارزیابی از آنها پرداخت.

پس از آن، شرکت کنندگان در کنگره در مورد کارکرد حزب در این دوره به جنبه های مختلف کار ما و خصوصاً به تأثیرات فعالیتهای حزب و سیاستهای آن در جامعه ایران، صحبت و اظهار نظر کردند.

دستور جلسه دوم کنگره «جنگ، اوضاع سیاسی ایران و صف بندی ها» بود. خالد حاج محمدی معرف این بحث بود. خالد حاج محمدی در سخنان خود به کشمکشهای جهانی در این دوره، فروپاشی قطب غرب و افول و پایان رهبری امریکا و کشمکشهای حول این امر و همچنین حمله به ایران به عنوان حقله ای از مقاومت آمریکا در مقابل موقعیت جدید خود پرداخت. او به حمله به ایران و دلایل و عواقب مخرب آن، صف بندی های حول این امر و تعمیق فاصله ها و دوستی و دشمنی های اپوزیسیون با مردم ایران و با هم، به موقعیت جدید آنها خصوصاً پس از ناکامی اسرائیل- امریکا در این جنگ اشاره کرد. سخنان همزمان به موقعیت جدید جمهوری اسلامی و تلاش او برای اشاعه ناسیونالیسم ایرانی و تبدیل شکست اسرائیل- امریکا به پیروزی خود و تأثیرات آن در منطقه و خصوصاً در مقابل طبقه کارگر و جنبش برابری طلبانه و به آینده این تحولات و شرایط جدید مبارزه طبقاتی و نقش و جایگاه مهم حزب و کمونیستهای کارگری در ایران پرداخت. خالد حاج محمدی همزمان به ضرورت دخالت جدی حزب و فعالین آن در جنبش ضد جنگ، جنبش ضد حمله نظامی به ایران با خواست فوری و بی قید و شرط جنگ و گسترش روابط بین المللی خود پرداخت.

پس از آن نمایندگان کنگره به جوانب مختلف این بحث و شرایط جدید و توازن قوای جدید در منطقه و ایران پرداختند. کنگره هم جهت و متحد به ضرورت دخالت همه جانبه در جدالهای این دوره و ایفای نقش کمونیسم در این تحولات، به ضرورت سازماندهی جامعه در دفاع از خود، ضرورت ایجاد آمادگی در میان طبقه کارگر و جنبشهای آزادیخواهان برای جدال های آینده پرداختند.

دستور جلسه سوم کنگره بررسی متن آپدیت شده برنامه مصوب کمیته مرکزی منتخب کنگره یازدهم حزب بود. در کنگره یازدهم حزب، رهبری منتخب خود را موظف به آپدیت کردن بخش مطالبات برنامه یک دنیای بهتر، بخش حقوق و آزادی های این سند، با توجه به دستاوردهای مترقی روز، کرده بود. سند به روز شده بخش مطالبات مصوب کمیته مرکزی از قبل در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود.

بحث و رای گیری در مورد تک تک تغییرات مضمونی در دستور کنگره قرار گرفت و تمام تغییرات پیشنهادی کمیته مرکزی به تصویب کنگره رسید.

در مبحث قرار و قطعنامه ها، کنگره قطعنامه پیشنهادی کمیته رهبری تحت عنوان «حمله نظامی به ایران و صف بندی های سیاسی» را به اتفاق آرا به تصویب رساند.

قرار پیشنهادی کمیته رهبری تحت عنوان «قرار در مورد: تأیید و تأکید بر سیاست تا کنونی حزب در حمایت از مردم فلسطین» توسط امان کفا معرفی شد و به اتفاق آرا به تصویب کنگره رسید.

کنگره در تمام اجلاسهای خود فرصتی را برای مهمانان و اظهار نظر آنها در نظر گرفته بود. در این فرصتها مهمانان کنگره در مورد مباحث مختلف کنگره اظهار نظر کرده و به سهم خود تلاش کردند، پیشنهادات و ملاحظات خود را به گوش نمایندگان کنگره برسانند.

دستور آخر کنگره انتخاب کمیته مرکزی بود. در این بخش پس از بحث در مورد تعداد اعضا کمیته مرکزی، کنگره وارد انتخابات شد و ۲۱ نفر را به عنوان اعضا کمیته مرکزی انتخاب کرد. ... ادامه در صفحه بعد

اعضا کمیته مرکزی منتخب کنگره ۱۲ حزب حکمتیست عبارتند از: آذر مدرسی، آرام خوانچه زره، آروین مردای، آزاد کریمی، آسو سهامی، آسو فتوحی، احمد بهزاد مطلق، امان کفا، بابک امانی، بهرام زارعی، پرویز وکیلی، ثریا شهابی، جمیل نظرگاهی، خالد حاج محمدی، سیوان رضایی، سونیا محمدی، فرید ضرغام، فواد عبداللهی، فارس محمود، محمد راستی، هما سعادت.

کنگره دوازده حزب حکمتیست پس از سخنرانی اختتامیه آذر مدرسی، با سرود انترناسیونال پایان یافت.

کنگره دوازدهم حزب پس از دو روز کار فشرده و تمرکز در فضای جدی، سیاسی، صمیمانه با موفقیت به کار خود پایان داد.

پس از کنگره، اولین نشست کمیته مرکزی منتخب کنگره ۱۲ برگزار شد. در نشست کمیته مرکزی آذر مدرسی با اتفاق آرا به عنوان دبیر کمیته مرکزی و رفقا آسو فتوحی، امان کفا، فواد عبداللهی، خالد حاج محمدی و محمد راستی را بعنوان کمیته رهبری انتخاب کرد. کمیته رهبری نیز در اولین اجلاس خود خالد حاج محمدی را به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته رهبری انتخاب کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست (خط رسمی)
۲۴ خرداد ۱۴۰۵ - ۱۴ ژوئن ۲۰۲۶

نینا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

[instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)

تلگرام

<https://t.me/RadioNeenna>

فیسبوک

[facebook.com/radioneena](https://www.facebook.com/radioneena)

hekmatist.com

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل
حزب شماست. حزب را از آن
خود کنید!

